

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی زنان این ایالت در دوره گذار از قاجار به پهلوی (۱۲۹۰ - ۱۳۱۰ش)

رضا دهقانی^۱، روشنک رزازی^۲، رسول عربخانی^۳، فریبرز محمدخانی^۴

(دریافت: ۲۹/۳/۱۳۹۸ پذیرش: ۹/۷/۱۳۹۸)

چکیده

مطالعه تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران در دوره معاصر، بدون توجه به نقش زنان، به منزله نیمی از افراد انسانی جامعه غیرممکن است. زنان ایرانی همانند مردان از تنوع به وجود آمده تأثیر می‌پذیرند و گاهی خود نیز بر روند تحولات تأثیرگذار بوده‌اند. بررسی محتوایی نشریات محلی فارس در اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی نشان می‌دهد که زنان این ایالت خلاف آنچه برخی از محققان پنداشته‌اند، در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی از جمله جنبش ضد استبدادی و مشروطه‌خواهی حضور داشتند و دارای سطح آگاهی نسبتاً بالایی بودند. آن‌ها که در قالب جمعیت‌ها و انجمن‌های خاص خود متشکل شده بودند، با استفاده از ابزار مطبوعات - که فراگیرترین رسانه آن روزها بود - برای تغییر وضع جامعه به‌ویژه شرایط اجتماعی خود تلاش می‌کردند. ماحصل این تلاش‌ها رشد آگاهی سیاسی - اجتماعی زنان ایالت فارس و زمزمه شکل‌گیری مسئله‌ای به‌نام حقوق اجتماعی زنان شد. زنان ایالت فارس از

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز و مأمور به خدمت در گروه مطالعات غرب آسیا و شمال آفریقا، دانشکده مطالعات جهان، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

*rdehgani@tabrizu.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ ایران دوره اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد.

۳. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام‌نور واحد زنجان.

۴. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ عمومی جهان، دانشگاه تبریز.

طریق مقالات متعدد و متنوع نشریات آن دیار برای نخستین بار با حقوقی چون حق علم‌آموزی، حق تجارت، حق حضور در اجتماع، حق تغییر نوع پوشش و... آشنا شدند و به تدریج درصدد کسب حقوق مزبور در عرصه عمل برآمدند. آنچه در این نوشتار به‌منزله دغدغه پژوهشی نگارندگان محسوب می‌شود، آن است که مطبوعات ولایت فارس در دهه پایانی دولت قاجار و اوایل عصر پهلوی - که در این نوشتار به دوران گذار تعبیر شده است - تا چه میزان بر روند خودآگاهی سیاسی - اجتماعی و هویت‌یابی زنان برای استیفای حقوق اساسی‌شان تأثیرگذار بودند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مطبوعات فارس در این برهه زمانی با طرح و پیگیری مستمر حقوق اجتماعی - سیاسی زنان، اساساً خودگفتمان‌ساز بودند و به هویت‌یابی و اجتماعی کردن زنان بسیار یاری رساندند.

روش تحقیق - با توجه به اینکه منابع اصلی پژوهش مطبوعات هستند - مبتنی بر تحلیل متن است که می‌توان آن را سطح عمیق‌تر روش توصیفی - تحلیلی دانست که غایت آن دستیابی به تبیین‌های مناسب است.

واژه‌های کلیدی: قاجار، ایالت فارس، زنان، نشریات، تأثیرات سیاسی - اجتماعی، هویت‌یابی.

مقدمه

در دوره قاجار به‌دنبال افزایش ارتباط با غرب و رشد صنعت چاپ و نشر، مطبوعات به‌منزله مهم‌ترین دستاورد این صنعت، زمینه‌ساز فعالیت‌های تجددخواهی در ایران شدند، به‌تبع چنین تحولی، وضعیت اجتماعی زنان هم دستخوش تغییر شد. تلقی سنتی از نقش و جایگاه اجتماعی زن، فقدان آگاهی سیاسی کافی، بی‌تجربگی و عدم مشارکت هدفمند و منسجم در فعالیت‌های دوره پیش از انقلاب مشروطه، سبب شده بود، زنان در مقایسه با مردان کم‌تر در رویدادهای مهم سیاسی - اجتماعی حضور و بروز داشته باشند. با این حال، گه‌گاه زنان بر اثر فشارهای اقتصادی - سیاسی به‌پا می‌خاستند؛ اما به‌جای پاسخ به دادخواهی‌شان از سوی برخی نهادهای سنتی به‌شدت سرکوب یا تحت فشار قرار می‌گرفتند.

با ظهور جنبش بایبه و جای گرفتن برخی زنان در کادر رهبری جنبش و در پی ارائه پاره‌ای اندیشه‌های غرب‌گرایانه در باب حقوق زنان، زمینه را برای ورود زنان به عرصه‌های سیاسی - اجتماعی مهیا ساخت. این روند با تأسیس مدارس جدید از سوی مسیونرهای مذهبی غربی و گسترش ارتباطات مأموران و سیاحان اروپایی با جامعه ایرانی رو به فزونی نهاد که

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی... ————— رضا دهقانی و همکاران

در نتیجه، در آگاه‌سازی دست‌کم سطوح میانی و عالی جامعه زنان ایران نسبت به حقوق سیاسی - اجتماعی‌شان بسیار تأثیرگذار بود.

با تمامی این اوصاف و با وجود حضور زن ایرانی در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی پیشا مشروطه و عصر مشروطه، اما این حضور به مفهوم مبارزه برای حقش نبود؛ زیرا هنوز رشد فرهنگی و فکری در زنان شکل نگرفته بود. آن‌ها در این جنبش‌ها در کنار مردان ایفای نقش می‌کردند؛ اما هیچ‌گاه پویش جمعی آنان در شکل یک جنبش مستقل برای خود آن‌ها نبود. لذا، جنبش معاصر زنان ایران تا دوره متأخر نتوانست شکل نهادهای به‌خود بگیرد. با این حال آنان در تظاهرات مختلف به‌ویژه در تظاهرات مربوط به کمبود نان شرکت کرده و فریاد اعتراض خود را به گوش دولت‌مردان می‌رساندند. شروع این تظاهرات به‌طوری که جسته و گریخته در منابع این دوران به چشم می‌خورد از عصر ناصری آغاز شد و از این زمان به بعد زن ایرانی برای نخستین‌بار به‌منزله نقشی درجه‌دوم پا به عرصه اجتماع و سیاست نهاد. همچنین، با تشکیل انجمن و مجلات، برای اولین‌بار خود را به‌منزله نیرویی هم‌پای مردان مطرح کرد.

این تحولات به درجات مختلف در ایالات مختلف کشور در حال وقوع بود که در این میان ایالت فارس به‌منزله یکی از ایالات مهم دوره قاجار هم‌پای دیگر نقاط کشور در وقایع سیاسی - اجتماعی کشور نقش بسزایی ایفا کرد. از آن جمله زنان این ایالت که مانند زنان پایتخت و دیگر نقاط کشور در جریان‌های سیاسی - اجتماعی چون جنبش بایه، جنبش تنباکو، انقلاب مشروطه، جنگ جهانی اول و... سهم زیادی داشتند، در جلسات انجمن‌هایی که بعد از مشروطه تأسیس شد، شرکت می‌کردند و به فعالیت می‌پرداختند. گروهی نیز رهبری ایدئولوژیک جنبش زنان را بر عهده گرفتند و از طرق مختلفی همچون نشریات سبب تحولات فکری زنان این ایالت شدند و تغییرات بزرگی را در این عرصه پدید آوردند.

تمامی این تحولات عمدتاً در بستر دورانی رخ داد که از آن می‌توان به دوران گذار تعبیر کرد: این دوران از نظر زمانی تقریباً از ۱۲۹۰ ش و در پی ناکارآمدی و استیصال دولت مشروطه در تحقق آرمان‌هایش به آرامی آغاز می‌شود و تا استقرار همه جانبه دیکتاتوری اقتدارگرای رضا شاه در ۱۳۱۰ ادامه می‌یابد. این دوران گذار که منطبق بر گفتمان بین‌المللی ظهور دیکتاتوری‌های مرکزی و مقتدر در سطح جهان نیز است، بیش از هر چیز ظهور و بروزش را در مطبوعات به‌منزله فراگیرترین رسانه آن روزگار شاهد هستیم و در این میان مسائل زنان نیز طبیعتاً تحت تأثیر فضای گفتمانی این دوران گذار قرار می‌گیرد. اگر بخواهیم به برخی مختصات این دوران اشاره کنیم، عبارت است از: ناامیدی از دولت ناکارآمد و ورشکسته

مشروطه، کم‌رنگ شدن نقش مجلس به‌منزله مهم‌ترین رکن دموکراسی و مشروطه‌خواهی، میل تدریجی به حکومتی مرکزی و مقتدر که در رأس آن دیکتاتوری مصلح قرار گیرد: تجلی کیش شخصیت به‌جای مشارکت ملی و تعامل و تضارب آرا در یک نظام مشروطه، تغییر ماهیت پیشران‌های اصلاحات در جامعه از نهادهای قانونی مانند دولت مشروطه، احزاب و مجلس به حاکمیت یکپارچه و ملی و سرانجام، تغییر شیوه اصلاحات از تعاملی و متکثر به شیوه آمرانه و از بالا به پایین. این ویژگی‌ها که به تدریج نشانه‌های خود را در دوران گذار بروز می‌داد، در بسیاری از موارد اساساً از سوی مطبوعات طرح و پیگیری می‌شد. بحث آموزش جدید برای زنان در دوره گذار تدریجاً از تشویق به اجبار سوق پیدا کرد، تأکید بر جایگاه اجتماعی زنان به‌منزله پرورش‌دهنده نسل جوانان از صفحات روزنامه‌ها به گفتمان رسمی حاکمیت بدل شد، شبهه درباره حجاب به‌مثابه قیدی که زنان را به تعبیر برخی روشنفکران و روزنامه‌های آن زمان در بند می‌کشد، شکل جدی‌تری در دوره گذار به‌خود می‌گیرد.

با چنین اوصافی آنچه پرسش اصلی این مقاله را شکل می‌دهد این است که مجلات و روزنامه‌های محلی ایالت فارس تا چه میزان به روند هویت‌یابی و خودآگاهی زنان این ایالت برای کسب حقوق سیاسی - اجتماعی‌شان در دوره گذار کمک کردند؟

مرور پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که در خصوص هویت‌یابی و خودآگاهی زنان ایالت فارس در این برهه زمانی اثر مستقلی پدید نیامده است، تنها در پایان‌نامه‌ای با عنوان *زنان روزنامه‌نگار فارس از مشروطه تا پایان پهلوی اول*^۱، نویسنده به مطالعه زندگی‌نامه زنان روزنامه‌نگار ایالت فارس می‌پردازد؛ اما بحثی درخصوص نسبت روزنامه‌های فارس با خودآگاهی اجتماعی زنان این ایالت در میان نیست و اگر هم اشاره‌ای شده به اجمال و در چارچوب همان احصاء زنان روزنامه‌نگار ایالت فارس است. در نتیجه، مقاله حاضر را می‌توان نخستین کوشش برای تبیین نقش و تأثیر رسانه‌های نوشتاری بر درک متفاوت زنان ایالت فارس از هویت خود در قیاس با ادوار گذشته دانست.

از آنجا که منابع عمده پژوهش ما در این مقاله، روزنامه‌ها و مجلات است روشی که برای تجزیه و تحلیل مطالب و درنهایت، پاسخ به پرسش اصلی تحقیق برگزیده‌ایم، روش تحلیل متن است که می‌کوشد از سطح توصیف و تحلیل فراتر رود و به لایه‌های عمیق‌تر متن نفوذ کند و درنهایت، تبیین‌های مناسبی از محتوای متن به‌دست دهد.

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی... ————— رضا دهقانی و همکاران

تکاپوهای سیاسی - اجتماعی زنان ایالت فارس در دوره قاجار

نخستین حرکت برای حضور سیاسی زنان در دوره محمدشاه با جنبش بابیه آغاز شد. شرکت زنان از ویژگی‌های مهم این جنبش به‌شمار می‌آید. مسئله آزادی تقریبی زنان بابی نسبت به دیگر زنان و سبب حضور پررنگ‌تر آنان در این جنبش شد. پس از دستگیری باب در قلعه چهریق در دوره محمدشاه، در نقاط مختلفی چون مازندران، زنجان، نیریز و دیگر شهرها، شورش‌های فراوانی از طرف بابیان سازماندهی شد. در فارس هم زنان با شرکت در جنبش بابیه نیریز، نخستین قدم جدی را برای حضور در جنبش‌ها برداشتند. آن‌ها در نبردهایی که بین موافقان و مخالفان بابیه در نیریز صورت گرفت، لباس رزم پوشیدند، وارد معرکه شدند (فوران، ۱۳۷۸: ۲۴۳). قره‌العین زن معروف بابی در شیراز با سید باب آشنا شد و به او گروید، باب هم او را جزو هجده نفر اولیه قرار داد و به او لقب طاهره داد؛ اما در مورد ارتباط قره‌العین با زنان شیرازی و اینکه آیا ارتباطی بین آن‌ها بوده یا خیر، در منابع اشاره‌ای نشده است (نبئی، ۱۳۵۹: ۵۱ - ۵۳). در جنبش باب، زنان بابی از نظر فکری آغازگر تقلید از زنان غربی در لوای مذهب بودند. ایدئولوژی حاکم بر حرکت آنان آزادی از قید و بند دینی و پیروی از آزادی‌های موجود در جوامع غربی بود (زاهد، ۱۳۸۴: ۹۷ - ۹۸). این جنبش سرآغازی برای جنبش سازمان‌یافته زنان با یک ایدئولوژی خاص شد و شرکت زنان در جریان‌های سیاسی - دینی و جنگ‌ها دوشادوش مردان را برای جامعه پذیرفتنی‌تر کرد؛ جامعه قبول کرد زنان هم می‌توانند همچون مردان و پایه‌های آن‌ها در مسائل جامعه نقش‌آفرین باشند.

پس از واقعه باب، ورود زنان به عرصه مبارزات اجتماعی به‌طور مشخص با قیام ۱۲۷۷ق در جریان قحطی نان شکل گرفت که به قحطی بزرگ معروف است. در فارس و شیراز نیز مانند دیگر نقاط کشور جمعی از زنان در تلگراف‌خانه جمع شدند و به پایتخت شکایت بردند که بزرگان شهر چون مشیرالملک گندم را انبار می‌کنند و به مردم نمی‌دهند. در قحطی سال ۱۲۹۴ق، باز شاهد تکرار همین ماجرا از سوی زنان هستیم که قوام‌الملک حاکم شیراز در واکنش به آن شوهران سی‌چهل زن معترض را حاضر ساخت و به‌جای آنان تنبیه کرد (حجازی، ۱۳۸۸: ۳۳۶ - ۳۳۷).

علاوه بر نان، زنان برای گرانی هیزم و زغال و دیگر اجناس نیز مکرر دست به شورش می‌زدند. در ۱۷ ربیع‌الثانی ۱۳۱۲ زغال و هیزم کمیاب شد؛ زیرا سربازان دیوانی به کسی اجازه بردن هیزم و زغال را نمی‌دادند، عده‌ای زن خودشان داوطلب شدند و زغال می‌آوردند که با خشونت سربازان مواجه شدند؛ اما با بالا گرفتن اعتراض مردم و علما به‌دلیل برخورد سربازان

با زنان مردم، قضیه با تنبیه سربازان خاتمه یافت (وقایع اتفاقیه: مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ق، ۱۳۶۲: ۴۶۸ - ۴۶۹).

اوج مبارزات زن ایرانی را می‌توان در دوره ناصری در قیام تنباکو که مقدمه‌ای برای حضور زنان در جنبش مشروطه شد، مشاهده کرد. با فراگیر شدن نهضت تنباکو در سراسر ایران، در فارس هم با خطابه‌های آتشین سید علی‌اکبر فال اسیری، زنان به همراه مردان در شاه‌چراغ متحصن شدند و نسبت به امتیاز رژی اعتراض کردند. در جریان تبعید سید علی‌اکبر فال اسیری هم، سه چهار هزار زن در شاه‌چراغ جمع شدند و به سواران مسلح قوام - که سعی در پراکنده کردن آن‌ها داشتند - سنگ‌پرانی کردند.

در این فاصله کارکنان کمپانی رژی وارد شیراز شدند، علما نیز با حرکتی اعتراض‌آمیز از رفتن به مسجد و سر دادن اذان امتناع کردند؛ اما بر اثر اصرار قوام‌الملک بیش‌تر ایشان به جز آقا میرزا محمدعلی که در غیاب سید علی‌اکبر فال اسیری رهبر جنبش شیراز شده بود، راضی به بازگشت به مساجد شدند (همان: ۳۸۰). با وجود بازگشت علما، حرکت‌های اعتراضی علیه رژی فروکش نکرد و زنان پایه‌پای مردان در اعتراض به ورود عمال کمپانی در تلگراف‌خانه و مرقد شاه‌چراغ تحصن کردند (فوران، ۱۳۷۸: ۲۵۱). زنان ایلپاتی نیز در کنار مردان دست به اعتراض زدند و همه روزه تلگراف‌های تهدیدآمیزی برای فسخ این قرارداد به تهران مخابره می‌کردند (دلریش، ۱۳۷۵: ۱۶۱). نیروهای حاکم فارس هم با تیراندازی به‌سوی مردم چندین نفر از جمله یک زن و یک دختر بچه را کشتند و جمعی را زخمی کردند (فوران، ۱۳۷۸: ۲۵۱). سرانجام بعد از صدور حکم تحریم تنباکو از سوی میرزای شیرازی و لغو قرارداد رژی، تلاش مردم به ثمر نشست. نهضت تنباکو را می‌توان اولین جنبش موفق اجتماعی و توده‌ای تاریخ معاصر ایران دانست که تمامی طبقات اجتماعی اعم از بازرگانان، روحانیون، صنعتگران خرده و تهیدستان و... چه زن و چه مرد در آن شرکت داشتند.

پس از نهضت تنباکو و پایان عصر ناصری جنبش ضداستبدادی مردم فارس در دوره مظفری به دنبال ظلم و ستم بیش از حد شعاع‌السلطنه حاکم فارس به وقوع پیوست که دامنه آن به انقلاب مشروطیت رسید. در این بحبوحه زنان فارس به همراهی مردانشان در اعتراض به تصرف زمین‌های مردم به دست شاهزاده شعاع‌السلطنه در شاه‌چراغ متحصن شدند که با یورش نیروهای حکومتی مواجه شدند که در نتیجه آن عده‌ای زن و مرد کشته شدند (یاحسینی، ۱۳۷۶: ۵۹). در مقابل اعتراضات زنان مشروطه‌خواه شیراز، شعاع‌السلطنه هم برای پیشبرد اهداف خویش از زنان هر جایی استفاده و آنان را وادار به ارسال تلگراف‌هایی مبنی بر حمایت

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی... ————— رضا دهقانی و همکاران

از او به تهران کرد (وقایع اتفاقیه، ۱۳۶۲: ۶۶۴ - ۶۶۵)؛ اما در نهایت، نتوانست در مقابل اعتراضات مردم و تلگراف‌هایی که از پایتخت واصل می‌شد، مقاومت کند و به بهانه معالجه، شیراز را به مقصد فرنگ ترک کرد (ناظم‌الاسلام کرمانی، ۱۳۶۲: ۱۸۸ / ۲). در غیاب شعاع‌السلطنه، سردار اکرم به بهانه حفظ نظم شهر حکم شلیک داد و بیش از بیست تن از اطفال و مردم بیچاره را هلاک کرد. عده‌ای هم به کنسولگری انگلیس پناهنده شدند (همان‌جا). پس از تصویب فرمان مشروطه در مرداد ماه ۱۲۸۵، موضوع تصویب متمم قانون اساسی پیش آمد. به دنبال تهران، زنان شهرستان‌ها از جمله زنان ایالت فارس نیز به حمایت از متمم قانون اساسی پرداختند (کسروی، ۱۳۸۹: ۱۳۳ - ۱۳۴). در جریان تأسیس بانک ملی نیز روزنامه کوکب دری از اعطای کمک‌های مالی دختران فارس برای تأسیس بانک ملی در مقاله‌ای با عنوان «فتوت مردانه دختران فارس» تمجید کرد و آن را بزرگ شمرد (کوکب دری، س ۱، ش ۸، شانزدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۵: ۴ - ۵).

در ادامه، وقایع مشروطه فارس در دوره محمد علی شاه، پس از قتل قوام‌الملک سوم به دست شخصی به نام نعمت‌الله بروجردی در ششم صفر ۱۳۲۶ ق در مجلس ختمی که برای قوام‌الملک برگزار شد، طی توطئه‌ای که به تیراندازی منجر شد، دو تن از روحانیان سرشناس فارس به قتل رسیدند. در این جریان زنان نیز حضور داشتند و حتی یک زن نیز کشته و تعدادی زخمی شدند (کسروی، ۱۳۸۱: ۵۶۳ - ۵۶۵). پس از این واقعه با وجود فقدان امنیت برای زنان، آن‌ها همچنان در جلسات مربوط به انجمن اخوت - که برای یافتن و مجازات عاملان جنایت حسینیّه قوام تشکیل می‌شد - حضور فعال داشتند و با گریه و زاری و فریاد و نوحه از خانواده کسانی که در این واقعه کشته شده بودند، دفاع می‌کردند و از ظلم و ستمی که بر آنان روا شده بود، شکایت می‌کردند و خواستار مجازات عاملان جنایت بودند (کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱۱۶ / ۵، ۱۱۷).

همچنین، در این دوره شاهد قدرت‌نمایی زنان پرنفوذی چون کوکب‌الدوله زن قوام‌الملک سوم هستیم که در عزل و نصب‌ها اعمال نظر می‌کرد و عملاً وارد بازی‌های سیاسی شده بود. وی زمانی که همسرش از سوی رقبای سیاسی به دردر افتاد، از نفوذ خود بهره جست و برای حل مشکل از هیچ حربه سیاسی رویگردان نشد یا همسر قوام‌الملک چهارم که واسطه پناهندگی شوهرش به کنسولگری انگلستان شد که این امر بیانگر روابط پنهانی برخی از این زنان با مأموران انگلیسی بود (همان‌جا).

در دهه پایانی عمر دولت قاجار و در پی وقوع جنگ جهانی اول، بخش مهمی از فارس و ولایات جنوبی ایران درگیر این بلیه خانمان‌سوز شد. با حمله انگلیسی‌ها به بوشهر و اشغال آن، کنسول آلمان و چند تن از مبارزان محلی از جمله خالو حسین از سوی انگلیسی‌ها به اسارت گرفته شد. از طرفی در شیراز سران حزب دموکرات فارس به اتفاق افسران ژاندارمری کمیته‌ای به نام «حافظان استقلال مملکت ایران» تشکیل دادند و روزنامه‌ای به همین نام منتشر کردند. چند روز بعد از تأسیس، کمیته مزبور تصمیم گرفت که به تلافی دستگیری کنسول آلمان و خالو حسین و چند تن دیگر از تنگستانی از سوی انگلیسی‌ها، کنسول انگلیس و سایر انگلیسی‌های مقیم شیراز را دستگیر کند (امداد، ۱۳۸۷: ۵۸۶ - ۵۸۷). با دستگیری اعضای کنسولگری بریتانیا در شیراز، مردم جنوب و فارس رسماً وارد نبرد با انگلیسی‌های اشغالگر شدند.

در نبردهای نابرابری که بین انگلیسی‌ها با مردم جنوب و فارس به وقوع پیوست، صفحات زرینی از فداکاری‌های زنان جنوب و فارس در برابر دشمن رقم خورد. مجاهدت شیرزنان گیسکانی در نبرد غضنفرالسلطنه با انگلیسی‌ها و یاری زنان تنگستانی به مجروحان پشت جبهه‌ها، نبرد زنان عشایر قشقایی علیه انگلیس‌ها و پشتیبانی از جبهه‌ها از جمله رشادت‌های زنان در طول جنگ جهانی اول در برابر دشمن متجاوز به خاک میهن بود (لمبتون، بی‌تا: ۱۸ - ۱۹). در خلال این مبارزات از زنانی چون همسر صولت‌الدوله و دختران ضرغام‌الدوله، رودابه بی‌بی و گوهر بی‌بی که در میدان جنگ نقش مهمی ایفا کردند، به نیکی یاد شده است (فراشبندی، ۱۳۵۹: ۲۸۶).

علاوه بر این، در طول جنگ همانند زمان نهضت مشروطه نوعی حس هم‌بستگی بین مردم نواحی مختلف کشور وجود داشت. از روزنامه جام جم سال ۱۳۳۴ق/ ۱۲۹۴ش مقاله‌ای در دست است که از اعلام آمادگی صد زن چادریه سر اصفهانی برای یاری هم‌وطنان و هم‌نوعان خود در جبهه‌های جنوب و بوشهر یاد می‌کند و می‌گوید.

آن‌ها وارد صف‌های مردان داوطلب شده و گفته‌اند که حاضریم با برادران خود با انگلیسی‌ها جنگ نماییم و برای کمک مادی ده‌هزار تومان در آن مجلس جمع شد و تمام زنان گردنبد و دستبندهای خود را به جهت اعانه بذل و بخشش کردند (روزنامه جام‌جم، سال اول، شماره ۳۵، بیست‌ودوم محرم ۱۳۳۴/ ۷ قوس ۱۲۹۴: صص ۱، ۲).

تکاپوهای زنان در دوره قاجار تنها به میادین نبرد با بیگانگان و حرکت‌های اعتراضی که عمدتاً صبغه اجتماعی داشتند منحصر نماند؛ بلکه در پی استقرار نظام مشروطیت، شکل سازمانی و نهادی به‌خود گرفت. پس از پیروزی نهضت مشروطیت زنان پایتخت با افتتاح

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی... ————— رضا دهقانی و همکاران

انجمن‌های نسوان به‌طور متشکل پا به عرصه فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی نهادند.^۲ اگرچه این حضور برای زنان در شهرستان‌ها تقریباً یک دهه بعد صورت پذیرفت؛ اما این بدان معنی نبود که زنان شهرستانی در انجمن‌هایی که از سوی مردان برپا شده بود حضور نمی‌یافتند؛ بلکه آن‌ها با اینکه از خود انجمن یا تشکلی نداشتند با حضور در جلسات و اجتماعاتی که از سوی این‌گونه انجمن‌ها برپا می‌شد در این‌گونه اجتماعات سیاسی شرکت می‌کردند، مانند زنان ایالت فارس که در انجمن ایالتی فارس (۱۳۲۴ق) و انجمن اسلامی (۱۳۲۴ق) و برخی تشکل‌های دیگر حضوری فعال داشتند. از حضور فعال زنان در جلسات انجمن ایالتی که برای مجازات عاملان جنایت حسینیّه قوام تشکیل شده بود، پیشتر سخن به میان آمد. انجمن‌اسلامی پس از تأسیس، به برگزاری جلسات و اجتماعاتی با حضور طبقات مختلف مردم مبادرت کرد که نقش زیادی در تبیین و معرفی مبانی حکومت مشروطه و آزادی داشت. این انجمن با حضور بیش‌ترین اعضای خود هفته‌ای دوبار جلساتی را در مساجد، مدارس و منازل علما و سران انجمن برگزار می‌کرد که طی آن سخنرانان برای حاضران در زمینه حکومت قانون و مشروطه سخنرانی می‌کردند. از جمله این اجتماعات مراسم وعظ و روضه‌خوانی در دهه اول محرم ۱۳۲۵ق در مسجد نو بود که با اجتماع گسترده مردم به‌ویژه زنان و با حضور سران انجمن و بزرگان و با سخنرانی افرادی چون محقق‌العلماء، آقا میرزا جمال‌الدین، آقا سید هاشم مجتهد کازرونی و شیخ محمدباقر اصطهباناتی برپا گشت (روزنامه مظفری، سال ششم، شماره ۱۰، پانزدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۵ق: ۴، ۵).

افزایش مشارکت اجتماعی زنان در جامعه که حضور آن‌ها در انجمن‌های یادشده نماد بارز آن بود، از سوی گروه‌هایی که بر اساس سنت مرد سالارانه جامعه آن را بر نمی‌تافتند، با مخالفت روبه‌رو شد. گروه‌هایی که از ورود زنان به اجتماع و آگاه شدن آنان واهمه داشتند. این گروه‌های مخالف به‌منظور مقابله با حضور اجتماعی زنان دست به تشکیل انجمن‌هایی زدند که از این امر ممانعت به عمل آورند مثل انجمن ناموسیّه شیراز که از بیرون رفتن زنان برای سیر و تماشا در روزهای اول ماه زیر قرآن (دروازه قرآن) و شب‌های جمعه حافظیه و روزهای جمعه در دارالسلام جلوگیری می‌کرد (روزنامه مظفری، سال ششم، شماره ۱۲، بیست‌وسوم ثور ۱۳۲۵ق: ۷). اگرچه این‌گونه سخت‌گیری‌ها برای مدت کوتاهی نتیجه داد و مانع از حضور زنان در اجتماع یا شرکت در انجمن‌ها و حضور در محافل سیاسی شد؛ اما این‌ها همه زودگذر بود و درنهایت، نتوانست جلوی روند روبه‌رشد حضور زن در اجتماع و سیاست را بگیرد. مسئله حضور زنان در اجتماع و سیاست و احقاق حقوق آن‌ها موضوعی نبود که صرفاً از

سوی انجمن‌ها و مطبوعات مطرح شود؛ بلکه مهم‌ترین تشکیلاتی که به شکل سازمان یافته با ایدئولوژی و مرام‌نامه مشخص به این موضوع ورود کردند، احزاب بودند. یکی از احزاب فارس که در این مورد اهتمام بسیار ورزید و در مرام‌نامه خود از تعلیم و تربیت نسوان به جد دفاع کرد، حزب دموکرات فارس بود. این حزب از سوی حیدر عموغلی از بنیان‌گذاران حزب دموکرات در ایران تأسیس شد. او که در سال ۱۲۹۸ق از سوی حکومت سپهدار به خارج از ایران تبعید شده بود، بر سر راه و طی اقامتش در شیراز این حزب را با حضور چند تن از آزادی‌خواهان معروف شیراز چون سید محمدباقر دستغیب، سردار فاخر، تقی گلستان (روزنامه‌نویس بعدی) و ابراهیم نصرالدوله (قوام الملک پنجم) و... تأسیس کرد. این حزب با حزب دیگری که اعتدالیون نام داشت و با ریاست علم‌الهدی بود و هم‌زمان تأسیس شده بود، رقابت داشت (امداد، ۱۳۸۷: ۵۳۵ - ۵۳۷).

در ماده سوم مرام‌نامه حزب دموکرات در مورد تربیت نسوان چنین آمده است:

همه می‌دانند از بی‌اعتنایی عموم به زن‌ها و سرگرمی آن‌ها به خرافات چه فساد اخلاق و مضرت‌ها در اولاد که اخلاق و عادات مادرها را قبل از همه فرا می‌گیرند، حاصل می‌شود. اگر زن‌ها تربیت شوند خانواده‌ها تربیت یافته و تمام ملت صاحب تربیت شده، ترقی می‌کند. پس توجه به تربیت زن‌ها از اهم امور است و اما خصوصیت تربیت آن‌ها برای این است که زن‌ها به خانه‌داری، حفظ‌الصحه و معاشرت ازدواج و عفت و عصمت و تربیت اولاد و شرافت باید تعلیم شوند (فراشبندی، ۱۳۵۹: ۱۵۵).

مرور حرکت‌های اجتماعی زنان در دوره گذار از بحران نان و نهضت تنباکو گرفته تا جنبش مشروطه و حتی جنبش‌های سال‌های بعد، بیانگر آن است که این حرکت‌ها بیش‌تر جنبه مقاومت دارند و نمی‌توان آن را جنبش مستقل زنان نامید؛ زیرا اعتراضات زنان در این دوران عمدتاً در قالب نقد و مقاومت در برابر دیدگاه‌های سنتی و مردسالارانه بود و بیش از آنکه رنگ و بوی سیاسی داشته باشد ماهیت اجتماعی داشت (امیدی‌پور، ۱۳۹۲: ۷). هنوز چند دهه - ای باید سپری می‌شد تا زنان حقوق کامل سیاسی - اجتماعی هم‌پایه مردان طلب می‌کردند و در انتخاب عقیده و سبک زندگی خود را مختار و صاحب حق می‌دانستند.

نشریات مهم ایالت فارس با تأکید بر موضوع زنان

نظر به اهمیت نشریات در شناخت و فهم تاریخ اجتماعی معاصر ایران و تأثیر انکارنشده آن بر حرکت‌های سیاسی - اجتماعی اقشار مختلف مردم از جمله زنان در دوره قاجار و اوایل

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی... ————— رضا دهقانی و همکاران

پهلوی، ابتدا تلاش می‌شود تا به معرفی و صورت‌بندی نشریات محلی ایالت فارس با تأکید بر اشارات آن‌ها به موضوع زنان پردازیم.

روزنامه فارس به سردبیری محمدنصیر فرصت‌الدوله از نشریات مهم برای بررسی این دوره است که از سال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۵ق در شیراز منتشر می‌شد. این نشریه که شامل مسائل علمی، ادبی، هنری، تاریخی و سیاسی است (رومی، ۱۳۸۸: ۴۴، ۴۵)، حاوی مقالاتی درباره تأسیس مدارس دخترانه نیز هست و در مورد نقشی که زنان در این خصوص ایفا می‌کردند، اطلاعات با ارزشی ارائه می‌دهد. همچنین، این روزنامه گزارش‌های ارزشمندی در مورد تأسیس مدرسه بنات شیراز دارد و از این حیث درخور توجه است.

روزنامه مظفری به سردبیری عبدالحمید متین‌السلطنه نیز یکی دیگر از نشریات تأثیرگذار تاریخ مطبوعات فارس است. تاریخ چاپ اولین شماره آن شوال ۱۳۱۹ق بود و آخرین شماره آن در سال ۱۳۳۰ق به چاپ رسید. محل انتشار این روزنامه بوشهر بود (همان، ۳۱ - ۳۲) و مطالبی در خصوص تشکیل انجمن‌های مدنی پس از مشروطه در فارس و شرکت زنان در محافل آن‌ها و مقالاتی برای آگاهی‌بخشی سیاسی به زنان و تشویق آنان به تأسیس مدارس و... دارد.

روزنامه اخوت شیراز به سردبیری میرزا سید حسین‌خان تهرانی دبیر، معروف به تاج‌الشعرا که اولین شماره نشریه خود را در چهاردهم ربیع‌الثانی ۱۳۲۶ق در شیراز به چاپ رسانید. روزنامه اخوت شیراز از شماره ششم به بعد به انجمن اخوت شیراز تغییر نام داد (همان، ۳۵، ۳۶). این نشریه از باب طرح مباحث رسیدگی به شهادت دو تن از روحانیون مشروطه‌خواه شیراز و شرح وقایع سیاسی - اجتماعی پس از انقلاب مشروطه در فارس همچنین، نقش زنان ایالت فارس در این وقایع اهمیت زیادی دارد.

از دیگر مجلاتی که برای تحقیق در باب احوال زنان این ایالات مهم است، مجله خاور به سردبیری محمود عرفان است که در فاصله سال‌های ۱۲۹۹ تا ۱۳۰۰ش جمعاً ده شماره از آن به چاپ رسیده است. همچنین، مجله سپیده‌دم به سردبیری لطفعلی صورتگر که در فاصله سال‌های ۱۳۰۱ تا ۱۳۰۴ در شیراز انتشار یافته است (همان، ۷۳ - ۷۴ - ۵۹). از دیگر مجلات می‌توان به مجله دنیای ایران به صاحب امتیازی حبیب‌الله نوبخت اشاره کرد که طی سال‌های ۱۳۰۱ - ۱۳۰۴ ش منتشر می‌شده است (همان، ۶۰). این مجله هم مطالبی در خصوص تشویق زنان به شرکت در اجتماعات دارد.

هر سه مجله فوق‌الذکر از جهت بررسی اوضاع سیاسی - اجتماعی سال‌های پایانی دوره

قاجار و دوره انتقال حکومت از قاجار به پهلوی درخور توجه‌اند. همچنین، این مجلات مقالاتی در جهت تغییر افکار زنان برای ورود به اجتماع در زمینه‌های مختلفی چون تجارت، روزنامه‌نگاری، ورزش و حتی تغییر نوع پوشش زنان و زمینه‌سازی برای کشف حجاب دارند. نشریاتی که برشمردیم تماماً از سوی مردان منتشر می‌شد و انتشار مطبوعات مختص زنان تا پایان دوران قاجاریه در فارس محقق نشد؛ اما این به معنای عدم تبلیغ در روزنامه‌های محلی فارس برای نشریات اختصاصی زنان در دیگر ایالات نیست. در شماره هفت سال اول مجله *خاور آگهی* انتشار مجله *جهان زنان* در مشهد - که مدیر مسئولش خانم پارسا بود - چاپ شده است. در این آگهی، مختصری در ارتباط با این نشریه بحث شده است و راهنمایی می‌کند.

اگر کسی خواهان این مجله است، می‌تواند آونمان خود را در مشهد به اداره (جهان زنان) یا در تهران به اداره (جریده شریفه رعد) مسترد و قبض رسمی مهور اداری دریافت دارد (مجله *خاور*، سال اول، شماره ۷، یازدهم جمادی‌الاول ۱۳۳۹ق / اول دلو ۱۲۹۹ش: ۲۷۰). در روزنامه *استخر* شماره ۹۰ سال دوم نیز انتشار *جریده زبان زنان* چاپ اصفهان به مدیریت صدیقه دولت‌آبادی را مژده داده و گفته است، چند شماره آن از سوی خانم مخلوصه متین‌الدوله به شیراز آورده شده است و از کسانی که مایل به دریافت آن بودند دعوت به مراجعه کرده است (روزنامه *استخر*، سال دوم، شماره ۹۰، بیست‌ویکم ذی‌قعدة، ۱۳۳۷ق / بیست‌وششم اسد ۱۲۹۸ش: ۲).

بدین ترتیب زنان فارس با اینکه از داشتن نشریه اختصاصی زنان در این دوره محروم بودند؛ اما با کمک نشریات مختلف محلی از چاپ و انتشار نشریه‌های اختصاصی زنان در ایالات دیگر باخبر می‌شدند و حتی‌الامکان خرید و یا اشتراک برای آن‌ها مهیا بود.

این وضعیت تا اواخر دولت قاجاریه ادامه یافت تا اینکه بالأخره در ماه‌های پایانی حکومت قاجار به سال ۱۳۰۴، خدیجه بامداد امتیاز نشریه‌ای به نام *اردیبهشت* را گرفت که البته، هیچ‌گاه منتشر نشد، پس از او بلقیس شعله در همان سال امتیاز نشریه *گل رعنا* و *زریا* را گرفت که آن هم هرگز چاپ نشد. سرانجام در سال ۱۳۰۹ش نخستین شماره نشریه *نورافشان* از سوی شوکت اسلامی در بوشهر منتشر شد. یک سال بعد بانو زندخت زندپور نشریه *دختران ایران* را در سال ۱۳۱۰ش انتشار داد (غفوری، ۱۳۹۱: ۲). این دختر که نام اصلیش فخرالملوک بود، دختر نصرالله‌خان زند از نوادگان صادق‌خان زند برادر کریم‌خان بود. مادرش بانو ضیاء شمس دختر شریف‌الحکما از پزشکان قدیم شیراز بود (بصاری، ۱۳۴۶: ۱۱ - ۲۳). او اولین شکل زنان شیراز، یعنی مجمع انقلاب نسوان را در سال ۱۳۰۶شتأسیس کرد. زندخت در آن زمان هجده سال داشت (کسری، ۱۳۸۹: ۱۵۶ - ۱۵۷).

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی... ————— رضا دهقانی و همکاران

جدول ۱: مطبوعات فارس در دوره گذار ۱۲۹۰ تا ۱۳۱۰ ش

نام نشریه	صاحب امتیاز/ سردبیر	سال انتشار	محل نشر
فارس	محمد نصیر فرصت‌الدوله	۱۳۳۱ ق	شیراز
مظفری	عبدالحمید متین‌السلطنه	۱۳۱۹ ق	بوشهر
اخوت شیراز	میرزا سید حسین خان تهرانی دبیر تاج‌الشعرا	۱۳۲۶ ق	شیراز
مجله خاور	محمود عرفان	۱۲۹۹ ش	شیراز
سپیده‌دم	لطفعلی صورتگر	۱۳۰۱ ش	شیراز
دنیای ایران	حبیب‌الله نوبخت	۱۳۰۱ ش	شیراز
اردیبهشت	خدیدجه بامداد	۱۳۰۴ ش	شیراز
گل رعنا و زیبا	بلقیس شعله	منتشر نشد	شیراز
نورافشان	شوکت اسلامی	۱۳۰۹ ش	بوشهر
دختران ایران	زنددخت زندپور	۱۳۱۰ ش	شیراز

نشریات ایالت فارس و مؤلفه‌های تحول اجتماعی زنان

تا پیش از ظهور رسانه‌های دیداری و شنیداری، شنیداری، مهم‌ترین رسانه جهانی که نقش بسزایی در آگاهی‌بخشی به نوع بشر و به‌ویژه زنان داشت روزنامه‌ها و مجلات بودند. در این نشریات، اندیشه‌ها و عقاید جدید زنان انعکاس می‌یافت. آنان از محرومیت‌ها و مظلومیتشان در جامعه می‌نوشتند و از سوی دیگر از مزایای سواد و تحصیلات زنان و حضور آنان در اجتماع سخن می‌گفتند. با انتشار افکار و عقاید آنان در نشریات، مردان و زنان بسیاری آن‌ها را مطالعه می‌کردند و خواه ناخواه از آن متأثر می‌شدند (غفوری، ۱۳۹۱: ۱۷۸ - ۱۸۰). بیش‌تر این نشریات در دسترسی همگان از جمله زنان خانواده‌های روشنفکر قرار می‌گرفت. زنان با این قبیل اطلاعاتی که از طریق مطبوعات در سایر کشورها به‌دست می‌آوردند و درباره وضعیت خود در ایران و مقایسه آن با خارج، به فکر فرو می‌رفتند (اتحادیه، ۱۳۸۸: ۶۰).

برای مثال، در شماره هفتم مجله خاور، نمونه‌ای از آثار قاسم‌بیگ امین مصری آورده شده که در آن به حقوق و طرز رفتار با زن در جوامع باستانی اشاره و ذکر می‌کند که دین اسلام قبل از پیشرفت جوامع غربی چون امریکا و انگلیس و آلمان و... که اکنون زنانشان در صف اول پیش رفتند، قوانین اسلامی را مبنای تساوی حقوق زن و مرد قرار داده‌اند (مجله خاور، سال

اول، شماره هفتم، جوزا ۱۳۰۰ ش / شوال ۱۳۳۹ ق: ۴۰۳).

همچنین، در برخی دیگر از مقالات از پیشرفت کشورهای چون ژاپن و امریکا و... و نقش زنان آنان در جنگ‌ها و مسائل سیاسی‌شان صحبت می‌کردند. مجله *عالم نساوان* در شماره‌های متعدد خود ضمن تشریح وضعیت زنان ژاپن و محدودیت‌های آنان در جامعه ماقبل صنعتی و مدرن، از اصلاحات مدرن و اقداماتی که سبب تحول موقعیت زنان این کشور در ابعاد مختلف شده است، این چنین سخن می‌گوید:

امروز در یک دنیای جدید زندگی می‌کنیم و علایمی در دست داریم که از این به بعد زنان ژاپن حرکات مستبدانه شوهران و برادران خود را مثل سابق با فروتنی متحمل نمی‌شوند. عدم ناراحتی قلب و اشتیاق به استفاده از لذایذ حیاتی روز به روز در نساوان اهمیتش زیادتر می‌شود. ترقی صنعت و روابط تجاری ژاپن با سایر ملل دامنه شغل و هنر را به اندازه‌ای بسط داده که نساوان در بسیاری از کارهای مردانه دخالت پیدا کرده‌اند ... با وجود ترس و ضدیت جنس مخالف که سیادت خود را در مخاطره می‌بینند قیام زنان برای اخذ حقوق طبیعی خود پیشرفت کرده و ترقیات آن‌ها روزافزون است (*عالم نساوان*، ۱۳۰۰، شماره اول، سال دوم: ۲۸ - ۳۴).

توجه به ژاپن عمدتاً به دلیل موفقیت‌های نظامی بود که این کشور در اوایل سده بیستم به دست آورده بود و توانسته بود در جنگ ۱۹۰۵ روسیه دشمن دیرین ایران را شکست دهد. لذا، به منزله کشور پیروز بسیار مورد توجه مشروطه‌خواهان ایرانی بود؛ به طوری که کشور ژاپن در بسیاری از زمینه‌ها الگوی برخی از اندیشمندان و روزنامه‌نگاران ایران شد. به همین خاطر در مقالاتی که به موضوع زنان می‌پرداختند، ژاپن یکی از کشورهایی بود که همواره با ایران مقایسه می‌شد (وطن دوست، ۱۳۸۵: ۷۴). برای مثال، روزنامه *مظفری* از مقاله چاپ‌شده مارکیز اوایاما^۳، همسر مارشال اوایاما^۴، در یکی از جراید ژاپن یاد می‌کند که در آن از حضور زنان ژاپنی در جنگ با روسیه تقدیر و تشکر کرده است (روزنامه *مظفری*، سال چهارم، شماره ۲۶، بیست-ونهم جدی، ۱۳۲۳ ق: ۲).

ستایش روزنامه‌ها از زنان مبارز برای حفظ کیان و استقلال کشورشان تنها منحصر به زنان ژاپنی نبود و شامل زنان مبارز و آزادی‌خواه دیگر ممالک نیز می‌شد. مجله *دنیای ایران* در یکی از مقالاتش از راگورسکا^۵ نام می‌برد که فرمانده زنان هلندی در نبرد علیه آلمان و روسیه برای کسب استقلال هلند بود. این گروه از زنان هلندی که برای وطن فداکاری می‌کردند، چهارده نفر آن‌ها کشته شدند که همگی تحصیل کرده بودند و حتی یکی از آن‌ها به نام برتاستورث^۶ دو مدال افتخار از حکومت هلند گرفته بود (مجله *دنیای ایران*، سال اول، شماره ۹، ۱۰ جمادی-

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی... ————— رضا دهقانی و همکاران

اول و الثاني ۱۳۳۹ق: ۲ - ۳). این گونه مباحث در زنان فارس تأثیر می‌نهاد و آنان را تشویق می‌کرد که مانند همگنان خود در دیگر کشورها در سرنوشت کشورشان نقش‌آفرین باشند. سوی این موضوع، از دیگر مطالب اجتماعی - که در این نشریات به آن‌ها اشاره می‌شد - آماده کردن ذهن اهالی این ایالت برای تأسیس مدرسه زنان و لزوم علم‌آموزی و تعلیم و تربیت برای آنان بود. در این روزنامه‌ها برای آماده‌سازی افکار عمومی به منظور تعلیم و تربیت رسمی زنان و دختران به‌طور عام بر روی چند نکته تأکید می‌کردند: اول اینکه تعلیم زنان در ایران به خطا یک نوع فساد در دین و خانواده تصور شده است؛ دوم یادآور می‌شدند که زنان بی‌دانش ایرانی نمی‌توانند بچه‌های خوبی تربیت کنند و سوم مقایسه‌ای بود که بین زن ایرانی با زن معاصر خارجی و زنان صدر اسلام که در جامعه حضور داشته‌اند انجام می‌دادند (وطن‌دوست، ۱۳۸۵: ۶۹).

در ابتدای انقلاب مشروطه در نشریات فارس از فقدان مدارس دخترانه در ایران بسیار شکوه و شکایت شده است؛ زیرا در آن زمان حتی در تهران نیز مدرسه دخترانه‌ای نبود، چه برسد به فارس که به‌لحاظ مسافت، فرسنگ‌ها دور از مرکز بود. نشریات این ایالت نیز در کنار نشریه‌های تهران و دیگر نقاط کشور به شکایت از این مسئله می‌پرداختند. روزنامه مظفری در این باره چنین می‌نویسد:

زنان طهران به جهت تأسیس بانک ملی، گوشواره از گوش خود در آورده و تقدیم می‌کنند. عده‌ای از ایشان در فکر تأسیس مریض‌خانه و عده‌ای در خیال نظافت کوچه و حمام‌ها یا تأمین گوشت و نان‌اند؛ اما چرا به تأسیس مدرسه برای بانوان اهمیتی نمی‌دهند؟! شریعت و پیشوایان دین هیچ کدام علم‌آموزی را برای زن حرام ندانسته‌اند. تربیت زنان تحصیل‌کرده برای مصاحبت شوهران و تربیت فرزندان لازم است و اینکه چه کودکان بسیاری که به سبب ناآگاهی والدین خود زندگانی را ترک گفته‌اند (روزنامه مظفری، سال ششم، شماره ۴، بیست‌وهفتم حوت ۱۳۲۵ق: ۱۰ - ۱۲)

در ادامه، نویسنده مقاله راجع به عدم تفاوت بین دختر و پسر در تعلیم متذکر می‌شود: «اگر جنس ایرانی چه پسر و چه دختر تعلیم ببینند، خیلی زود تربیت می‌شوند» (همان‌جا). در اولین سال‌های بعد از مشروطه پس از تشکیل اولین مدارس جدید دخترانه در تهران و دیگر نقاط کشور که بیش‌تر از سوی اقلیت‌های دینی تأسیس و یا استقبال می‌شدند، برخی از نشریات فارس با اشاره به این مدارس در مقالات خود، مسلمانان را تشویق به تأسیس مدارس مشابه می‌کردند تا دختران مسلمان در آنجا به تحصیل بپردازند. روزنامه مظفری در یکی از شماره‌های خود از مدرسه «دوشیزگان» یزد که از سوی ارباب کیخسرو و شاه‌جهان برای

دختران زردشتی بنا شده بود، یاد می‌کند و افسوس می‌خورد که چرا ادیان و ملل دیگر این طور به تربیت دختران توجه نشان می‌دهند، در حالی که مسلمانان برای آن اهمیتی قائل نمی‌شوند (همان، ۱۳).

در تأکید بر ضرورت علم‌آموزی زنان و دختران پاره‌ای از جراید آن دوران از اینکه زن و مرد در قوه تعقل هیچ تفاوتی با هم ندارند، صحبت می‌کردند به این مضمون که:

حتی در اعصار اولیه عقل زنان بیش از مردان بوده و اختراعات زیادی را ثبت کرده‌اند و چون امریکایی‌ها اولین کسانی بودند که به ثبت اختراعات زنان خود پرداختند برای این مسئله زنانی از کشور امریکا را برمی‌شمردند که اختراعاتی از خود ثبت کرده بودند (مجله دنیای ایران، سال اول، شماره ۴، ذیحجه ۱۳۳۸ق: ۱۹ - ۲۲).

به سبب آنکه امریکا هم کشوری تازه نفس و رو به پیشرفت بود که آن تعصبات سابق کشورهای اروپایی را درمورد زنان نداشت و نسبت به آنان فضای بازتر داشت مانند ژاپن که به طرز باور نکردنی در حال پیشرفت بود، بسیار مورد توجه نشریات آن زمان بود. علاوه بر این نشریات همچنین، اروپا را نیز مثال می‌زدند و خاطر نشان می‌کردند که اروپا زمانی پیشرفت کرد که اسباب ترقی زنان خود را پدید آورد (روزنامه/ستخر، سال اول، شماره ۵۰، هفتم جمادی - الثانی ۱۳۳۷ق/ نوزدهم حوت ۱۲۹۷ش ۱). همچنین، از زنان و دختران تربیت شده دانشگاهی این ممالک مثال می‌زدند که در جنگ جهانی اول چه خدمات بزرگی به کشورهای خود ارائه دادند (روزنامه فارس، سال چهارم، شماره ۱۴، دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۳۸ق: ۸).

علاوه بر کشورهای اروپایی و امریکا و ژاپن مقاله‌هایی نیز در مورد کشورهای مسلمانی همچون سوریه و مصر چاپ می‌شد که در آنها تصریح می‌شد که آنها به تعلیم دختران خود مشغولند و حتی عده‌ای از زنان این کشورها در مدارس عالیّه روسیه مشغول به تحصیل طب هستند. همچنین، زنان مسلمان گرجستان را مثال می‌زدند.

مدرسه‌ای برای دختران در تفلیس ایجاد کرده‌اند که برخی مردان مسلمان هم به مساعدت آنها پرداخته‌اند و از این گلایه می‌کردند که چرا در ایران این‌گونه نیست و برای زنان مدرسه‌ای وجود ندارد (روزنامه مظفری، سال سوم، شماره ۵۱، دوازدهم دلو ۱۳۲۱ق: ۱ - ۴).

مدرسه مطلوب روزنامه‌های فارس که تبلیغ می‌کردند، باید مدرسه‌ای می‌بود که همه اعضای آن زن باشند و تأکید می‌کردند که هرگز رفع حجاب و بی‌عصمتی در کار آنها نیست و با روزنامه‌هایی چون نامه وطن که حجاب را مغایر علم‌آموزی می‌دانستند، مخالفت می‌کردند (روزنامه دعوت/اسلام، سال اول، شماره ۱۹، غره جمادی الثانی ۱۳۲۵ق/ جولای ۱۹۰۷م: ۶، ۷).

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی... ————— رضا دهقانی و همکاران

در سال‌های بعد از جنگ جهانی اول زمانی که در تهران و دیگر مراکز ایالات، مدارس دخترانه بسیاری تأسیس شد، در ایالت بزرگ فارس و شیراز هنوز مدرسه دخترانه‌ای تأسیس نشده بود. زنان به همین دلیل در نشریات به شکایت می‌پرداختند.

چرا خطه فارس که همیشه محیط رجال نامی و مولد بزرگان گرامی بوده است در عصر حاضر به قهقرا رفته است. در اصفهان مدرسل دخترانه برپا شده، حال آنکه ایالت فارس از دیگر ایالات عقب مانده و این به خاطر جمود فکری اهالی آن است که تربیت نسوان را مخالف اصول دیانت و موجب تزلزل ارکان عفت می‌دانند. اینان درک نمی‌کنند که هر چه علم انسان بیش‌تر می‌شود دیانت او هم زیادتر می‌گردد (روزنامه/ستخر، سال دوم، شماره ۲۱، بیست و دوم شوال ۱۳۳۷ق/ سی‌ام سرطان ۱۲۹۸ق: ش ۲).

همچنین، آنان خواستار تنظیم برنامه مدرسه‌شان به دست علما شدند و گفتند نمی‌خواهند مثل برنامه مدارس تهران برنامه درسی داشته باشند و باید برنامه آنان را روحانیون تنظیم کنند. برنامه درسی آنها نیز «باید مکتب زبان فارسی، قرآن، شریعات و حساب و خیاطی باشد» (همان‌جا) به نظر می‌رسد آنها با این پیشنهاد در واقع، قصد جلب اعتماد روحانیون را داشتند که اطمینان یابند برنامه این مدارس خلاف شرع نیست و چون در تهران بعضی مدارس زبان‌های خارجی چون انگلیسی، فرانسه و... را نیز تدریس می‌کردند، این‌گونه می‌خواستند خود را متشجع‌تر از آنها جلوه دهند تا با تأسیس مدرسه از سوی آنان موافقت شود.

همچنین، در مورد لزوم تربیت نسوان در مقالات بی‌شماری که در روزنامه‌های مختلف چاپ می‌شد به آموختن خانه‌داری، شوهرداری و تربیت اولاد اشاره شده است.

زنان باسواد مادران آگاه‌تری برای فرزندان خود خواهند بود و سبب با علم و کلام شدن فرزندان خود می‌شوند، در حالی که مادران ناآگاه غالباً یا اولاد خود را در طفولیت می‌کشند یا باعث ابتلای آنها به انواع امراض یا بسیاری از رذایل اخلاقی می‌شوند. از طرفی در ازدواج نیز همسر آگاه و تعلیم‌دیده بسیار مناسب‌تر از همسری است که درک درستی از ازدواج نداشته باشد و نداند که باید با همسر خود چگونه رفتار کند (روزنامه فارس، سال سوم، شماره ۳۹، بیست و نهم رمضان ۱۳۳۷ق: ۹ - ۱۲؛ روزنامه/ستخر، سال اول، شماره ۶۰، بیست و سوم رجب ۱۳۳۷ق/ چهارم ثور ۱۲۹۷: ش ۱، ۲).

در سال ۱۳۳۷ق/ ۱۲۹۸ش، روزنامه فارس مقاله نسبتاً مفصلی منتشر کرد که ضمن بحث درباره تربیت دختران و تأسیس مدارس برای آنها، دختران ایرانی را به سه دسته تقسیم کرد:
۱. گروهی شامل ۹۸ درصد دختران که برای تربیت آنها گذراندن تحصیلات شامل خواندن و نوشتن فارسی، حساب، ورزش، فن خانه‌داری، آشپزی و خیاطی لازم است.

۲. گروه معدود دختران مرفه که دارای تحصیلات عالی در تهران یا اروپا هستند.

۳. دخترانی که برای به‌دست آوردن معاش و تحصیل می‌خواهند آموزش ببینند.

نویسنده مقاله در ادامه تأکید می‌کند، هنوز موقع آن نرسیده؛ یعنی مملکت هنوز آن قدر پیشرفت نکرده است که زنی به‌منزله وکیل یا دکتر یا سایر مشاغل در ادارات دولتی استخدام شود.

نویسنده مقاله مذکور در کل سه شغل پیشنهاد می‌کند که زنان می‌توانند پس از تحصیل به‌دست آورند:

۱. وارد شدن به مدارس اطفال و تعلیم آنان.

۲. طبابت: زنان می‌توانند به مدارس طب در تهران وارد شوند و پس از اتمام تحصیلات طبابت کنند.

۳. مریگیری: به این معنا که فرد پس از گذراندن دوره‌ای دوساله، می‌توانست به‌منزله مری خانگی، زنان و کودکان خانواده‌ها را تربیت کند.

نویسنده مقاله با خاطرنشان کردن میزان مرگ‌ومیر اطفال در آن زمان، لازم می‌داند دختران ایرانی دوره‌ای از تعلیمات مدرسه‌ای و حفظ‌الصحه منزل و سواد مختصر فارسی را فراگیرند و پیشنهاد می‌دهد یکی از اهالی بانفوذ و ثروتمند شیراز این‌گونه مدارس را بنا کند تا دختران باسواد و خوب تربیت شوند و از این طریق بتوانند ضمن کسب موفقیت در زندگی شخصی، سبب رشد و ترقی کشور شوند. درنهایت، نویسنده مقاله به‌دست آوردن علوم عالی را برای زنان نه‌تنها غیرلازم، بلکه مضر دانسته است (روزنامه فارس، ۱۹ ذی‌القعدة ۱۳۳۷، ش ۶۶، سال سوم، ص ۶).

درواقع، باید گفت آنچه در آن دوران به‌منزله تحصیل زن در جامعه ایرانی — البته عمدتاً در شیراز — مطرح بود، نه برای به‌دست آوردن تحصیلات عالی و یا داشتن استقلال مالی، بلکه برای تربیت فرزندان و زنان خانواده و اداره صحیح امور خانه بود (همان، ۲۹ رمضان ۱۳۳۷، ش ۳۹، سال سوم، ص ۹).

سرانجام بر اثر تکرار فراوان این مطالب و درج مقالات متعدد در روزنامه‌ها، افراد زیادی از طبقات مختلف تحت‌تأثیر افکار آنان قرار گرفتند. خانواده‌هایی که در گذشته لزومی برای تحصیل دختران نمی‌دیدند، تحت‌تأثیر اندیشه‌های جدید که از سوی روزنامه‌ها ترویج می‌شد اندک اندک نظر خود را در این باب تغییر دادند و با گسترش مدارس دخترانه، دختران خود را به مدرسه فرستادند. بدین ترتیب تعداد زیادی از دختران طبقات بالای جامعه و همچنین، طبقه

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی... ————— رضا دهقانی و همکاران

متوسط روشنفکر جامعه، به این مدارس راه یافتند و این چنین به تدریج سطح سواد در میان دختران بالا رفت (غفوری، ۱۳۹۱: ۱۷۸ - ۱۸۰).

نکته مهم اینکه در فاصله سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۰۹ ش مجلات در مقالاتشان از زنان باسواد می‌خواستند با تخصیص سه ساعت وقت در هفته، به زنان بی‌سواد خواندن و نوشتن تعلیم دهند و اظهار می‌کردند برای این کار به ساختمان و تجهیزات و یا به بودجه و کمک مالی و غیره نیازی نیست (سالنامه معارف فارس، ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵: ۷۳). به عبارتی، آن‌ها راه‌های عملی‌تری را برای آموزش و باسواد کردن زنان می‌جستند و نوعی جدیت برای باسواد کردن زنان شکل گرفته بود. مهم‌تر اینکه این تفکر و تلاش برای باسواد کردن زنان، از سوی خود زنان انجام می‌شد.

علاوه بر تعلیم و تربیت، نشریات فارس مشوق حضور زنان در اجتماع بودند و برای آنان از زنان تجار کشورهای همسایه و مسلمان مثال می‌زدند و می‌گفتند که در شریعت محمدی تجارت برای زنان حرام نیست همچنان که دین اسلام طلب علم را برای ایشان حرام نکرده است (روزنامه مظفری، سال سوم، شماره ۵۴، بیست‌ونهم حوت ۱۳۲۲ق: ۱۴). در پی چنین تشویق‌هایی بود که عده‌ای از زنان متمول و ثروتمند فارس وارد تجارت و کارهای فلاحی شدند؛ از جمله لقاءالدوله خورشیدکلاه قوامی دختر میرزا حبیب‌الله‌خان قوام‌الملک چهارم از مالکان فارس، در مسافرت به آلمان «یک دستگاه کامل ماشین فلاحی و زراعتی کنترات فلاج آلمانی» خریداری کرد و آن را با زحمت و مخارج فوق‌العاده و کرایه زیاد و پرداخت عوارض گمرک وارد شیراز کرد. او هدفش از این کار را چنین عنوان می‌کند:

به این خیال که تغییری در امور فلاحی داده باشیم و سایرین هم کم‌کم با ترتیبات علمی و فنی زراعت آشنا شوند و ضمناً هم خود استفاده کرده باشم و هم اوضاع زراعت را از گاو خیشی و عادت قرون اولیه تبدیل به اصول جاریه نموده باشیم (خسروپناه، ۱۳۸۲: ۱۳۹).

در این نشریات تلاش فراوانی برای آگاه‌سازی زنان نسبت به حقوق اجتماعی آن‌ها نیز صورت می‌گرفت. در مقاله‌ای به نام «زن در اعصار مختلفه» در مجله سپیده‌دم، از نقش اساسی زنان در دوران باستان، به حکومت رسیدن آنان و قدرت پنهانی آن‌ها در خلال حکومت مردان صحبت می‌شود و اشاره می‌کند که در قرون قدیم زن‌ها به شغل‌هایی چون زراعت و تجارت اشتغال داشتند. همچنین، با ذکر اینکه بین ارباب انواع هم اهمیت مادر بودن و منزلت چشمگیر زن نسبت به مرد وجود داشته است، زنان را به موقعیت سیاسی و اجتماعی پیشین خویش آگاه می‌کردند و این‌گونه سعی داشتند اعتماد به نفس از دست‌رفته زنان برای حضور در اجتماع را به ایشان بازگردانند (مجله سپیده‌دم، سال اول، شماره ۸، ذیحجه ۱۳۴۱ ق/ اسد ۱۳۰۲: ش ۳۶۹).

بخش مهمی از مقالات این نشریات در ایالت فارس به وسیله زنان نوشته می‌شد. ضمن اینکه خود نشریات فارس هم که بیش‌تر آن‌ها از سوی مردان اداره می‌شد به تبلیغ و ترغیب حضور زنان در عرصه روزنامه‌نگاری می‌پرداختند و سعی می‌کردند که روزنامه‌نگاری را بین زنان فارس رواج دهند. نویسندگان نشریات برای ترغیب زنان ایالت از زنان روزنامه‌نگار کشورهای مختلفی چون آمریکا و اروپا سخن به میان می‌آوردند (روزنامه مظفری، سال چهارم، شماره ۲۷، ششم دلو ۱۳۲۳ق: ۱۱)؛ اما به نظر می‌رسد به دلیل آماده نبودن فضای اجتماعی جامعه برای این کار، زنان روزنامه‌نگار معمولاً از آوردن نام کامل خود زیر مقالات چاپ‌شده خودداری می‌کردند (روزنامه مظفری، سال ششم، شماره ۴، بیست‌وهفتم حوت ۱۳۲۵ق: ۱۲) و با عناوینی چون «ک.خ» یا «(ی.ف) بنت (هدی)» و یا درنهایت، به بردن نامی تنها چون «غفت-الملوک» بسنده می‌کردند (روزنامه استخر، سال دوم، شماره ۲۱، بیست‌ودوم شوال ۱۳۳۷ق / سی‌ام سرطان ۱۲۹۸: ش ۲). به همین سبب یافتن اطلاعاتی در ارتباط با آن‌ها برای محقق دشوار است.

عده‌ای از زنان علاوه بر روزنامه‌نگاری، به کار ترجمه مقالات خارجی و چاپ آن‌ها در نشریات مختلف نیز می‌پرداختند؛ از جمله همین «ک.خ» سابق‌الذکر، مقاله فیزیولوژی تألیف فرانک اورتن را در شماره چهارم مجله خاور ترجمه و چاپ کرد (مجله خاور، سال اول، شماره ۴، اول عقرب ۱۲۹۹ش / یازدهم صفر ۱۳۳۹ق: ۱۵۷؛ مجله خاور، سال اول، شماره ۵، اول قوس ۱۲۹۹ش / دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۳۹ق: ۱۸۸). گاه زنان تهرانی نیز در مجلات ایالت فارس مقاله‌هایی در زمینه‌های مختلف از جمله بی‌سوادی زنان می‌نوشتند. نمونه آن شهناز آزاد بود که مقالاتی برای روزنامه بانوان می‌نوشت (مجله دنیای ایران، سال اول، شماره ۳، ذی‌قعدة ۱۳۳۸ق: ۲؛ مجله دنیای ایران، سال اول، شماره ۵، محرم ۱۳۳۹ق: ۱۸).

علاوه بر موارد مذکور، نشریات فارس به ارائه مطالب و دستاوردهای علمی فراوانی در باب نحوه بهداشت و تربیت صحیح کودکان نیز می‌پرداختند که نتیجه آن تربیت بهتر کودکان بود. از نظر نویسندگان نشریات نوگرا، مادران دوره قاجار کودکان خود را با برخی روش‌های سنتی ناصحیح پرورش می‌دادند. به عقیده این مادران شستن کودکان قبل از رسیدن به سن سه سالگی مضر بود. عادت خون گرفتن از نوزادان در سه روز اول تولد برای رفع خون ناپاک مادری و ماندن کثافات در بدن به‌خوبی دلیل تلفات زیاد و مرگ‌ومیر وحشت‌آور اطفال را بیان می‌کند (دیولافوا، ۱۳۷۸: ۴۴۸، ۴۴۹). دکتر ازوپاروی پزشک اروپایی که مدت‌ها در اصفهان و شیراز به طبابت مشغول بود. بعد از آمدن به بوشهر از وضع بهداشت بچه‌ها گله می‌کند که

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی... ————— رضا دهقانی و همکاران

رنگ صورت‌های آن‌ها پژمرده است و بدن‌های باریک و کثیفی دارند. همچنین، می‌گویند در بوشهر جوانانی هستند که به راحتی انگلیسی صحبت می‌کنند که این نشانه هوش زیاد آن‌هاست؛ اما دارای تربیت درستی نیستند و این‌ها همه به دلیل عدم آگاهی مادرانشان است. زن تربیت‌شده رفیق خوبی برای شوهر و مادر خوبی برای اطفال خواهد بود (مجله دنیای ایران، سال اول، شماره ۴، ذیحجه ۱۳۳۸ق: ۳ - ۵).

این موضوع حساسیت نشریات را برانگیخته بود و مقالاتی در موضوع آموزش زنان منتشر شد (روزنامه/ستخر، سال دوم، شماره ۲۱، بیست و دوم شوال ۱۳۳۷ق/ سی ام سرطان ۱۲۹۸: ش ۲). مثلاً روزنامه/ختر در مقاله خود با عنوان «حرفی چند در خصوص تولد» توضیح می‌دهد که «پیرزنان قابل‌جاهل باعث مرگ زیاد نوزادان بوده‌اند» و در ادامه، زنان را به استفاده از وسایل جدیدالاختراع و علم نوین تشویق می‌کند (روزنامه/ختر، سال پانزدهم، شماره ۳۲، ششم ذیقعد ۱۳۰۶ق: ۲۰). روزنامه مظفری نیز برای سلامتی مردان و زنان و رفع کم‌خونی به تبلیغ قرص‌هایی از ویلیام می‌پردازد و روش استفاده و دلیل استفاده آن را توضیح می‌دهد (روزنامه مظفری، سال ششم، شماره ۲۳، چهاردهم میزان ۱۳۲۵ق: ۱۴، ۱۵؛ روزنامه مظفری، سال ششم، شماره ۲۴، بیست و یکم میزان ۱۳۲۵ق: ۱۴، ۱۵) این‌ها و بسیاری از مقاله‌های دیگر در این زمینه سبب آگاهی بسیار زنان در مورد تربیت فرزندان و حفظ سلامتی و بهداشت شد. همچنین، در پاورقی نشریاتی چون روزنامه فارس مقالاتی با عنوان «راهنمای جوانان» از ازدواج درست و سبب ازدواج و آگاهی و روابط زن و مرد و... صحبت می‌کردند تا آگاهی زنان و مردان را نسبت به ازدواج افزایش دهند (روزنامه فارس، سال چهارم، شماره ۴۶، دوم ذیقعد ۱۳۳۸ق: ۶).

علاوه بر این‌ها، روزنامه‌ها زنان را به شرکت در فعالیت‌های اجتماعی چون ورزش تشویق می‌کنند و برای آنان زنانی از امریکا را مثال می‌زند که در فن شنا و غریق نجات موفق‌تر از مردان بودند (مجله دنیای ایران، سال اول، شماره ۵، محرم ۱۳۳۹ق: ۳۲).

در سال‌های پایانی دوره قاجار در مجلات و روزنامه‌ها در مواردی چند از کشف حجاب نیز بحث شده و حتی اشعاری نیز در این ارتباط انتشار یافت (مجله خاور، سال ششم، شماره ۳، ربیع‌الآخر ۱۳۴۳ق: ۱۳۴ - ۱۳۵). چاپ این‌گونه مطالب به این سبب بود که زمینه را برای تغییرات فکری زنان در دوران بعدی، یعنی پهلوی فراهم کند.

در پس تمامی تحولات اجتماعی مربوط به زنان آنچه به منزله رخدادی مهم درخور توجه است ابژه شدن زنان از سوی خود آن‌ها برای اولین بار است، زنان می‌خواستند پیش از هر چیز

خود را بشناسند و به بازتعریف هویت خود بپردازند. روزنامه‌ی *زبان زنان* ضمن اشاره به این موضوع می‌نویسد: «ما درباره‌ی عصر خویش سخن می‌رانیم و برای عصر خود حرف می‌زنیم ما می‌خواهیم در این وقت خودمان را بشناسیم» (روزنامه‌ی *زبان زنان*، ۱۳۳۶ق، سال اول، شماره ۴، ص ۲) یا روزنامه‌ی *شکوفه* به دنبال پرسش از هویت زنان و جایگاه آنان در اجتماع است «زن کیست؟ مرکز وی در هیئت اجتماع بشر چیست؟» (روزنامه‌ی *شکوفه*، ۱۳۳۱ق، سال اول، شماره ۲، ص ۲).

پرسش از کیستی زن به‌منزله‌ی جنس مؤنث و نیمی از جامعه به صراحت در مقالات و روزنامه‌های آن دوران قابل مشاهده است. شاید یکی از بهترین مثال‌ها در این خصوص نامه‌ای است که یکی از زنان در روزنامه‌ی *صور اسرافیل* چاپ و به‌شدت از مخالفان مشروطه انتقاد کرده است. این زن که خود را «از نسوان جان نثار وطن» معرفی می‌کند به‌طور آشکار بر مخالفان مشروطه می‌تازد و خود را هواخواه آرمان نهضت ملی مشروطه می‌داند (صور *اسرافیل*، ۲۱ جمادی‌آخر ۱۳۲۵: صص ۴ - ۵).

این نامه گویای آن است که این زن خلاف زنان سنتی و پیشین خود را در دایره‌ی اجتماعی و شهروندی دانسته و با طرفداری از گفتمان غالب مشروطه‌خواهی، خود را صاحب‌نظر سیاسی (طرفدار مشروطه) دانسته است.

بدین ترتیب مطالب و مقالات نشریات با تأثیرگذاری بر جامعه‌ی زنان سبب شدند تا قشر متوسط و مرفه ایشان از وضعیت اسفبار خود به‌منزله‌ی زنان خانه‌نشین، بی‌سواد و خرافه‌پرست و بی‌خبر از اجتماع و دنیا آگاه شوند و درصدد تعریف و بازیابی هویتی جدید برای خود برآیند که ضمن انطباق با مقتضیات دنیای مدرن بتوانند هم‌زمان به‌منزله‌ی یک زن، همسر و مادر در خانه و جامعه ایفای نقش کنند و فرزندان بهتری تربیت کنند و به اجتماع تحویل دهند و همسران با درک و آگاهی برای شریک زندگی خود باشند و زنان با اراده‌ای برای انجام مسئولیت‌های مختلفی همچون معلمی، پرستاری، مدیریت و... در اجتماع شوند و بدین ترتیب جامعه‌ای متعادل که در آن زن و مرد در کنار یکدیگر برای ارتقای هر چه بیش‌تر آن تلاش می‌کنند، شکل می‌گیرد.

نتیجه

روزنامه‌ها و مجلات دوره‌گذار با طرح مطالبات زنان - که رنگ‌وبوی دنیای مدرن را داشت - گونه‌ای حس خودآگاهی را در زنان بیدار کردند و به آنان نشان دادند که چگونه طی قرن‌ها

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی... ————— رضا دهقانی و همکاران

از حقوق سیاسی - اجتماعی خود محروم و حتی از آن بی‌خبر بوده‌اند و اکنون زمان آن رسیده است که این حقوق را مطالبه کنند: حق تحصیل و علم‌آموزی، شرکت در فعالیت‌های اجتماعی و ورزشی، حق دسترسی به بهداشت و تربیت مناسب، حق اشتغال در زمینه‌های فلاح و تجارت، چگونگی ازدواج و همسراری مواردی بودند که در نشریات و روزنامه‌های ایالت فارس مرتباً به مردم و به‌ویژه زنان گوشزد می‌شد و از همه مردان و زنان می‌خواستند برای تحقق آن‌ها لحظه‌ای از پای ننشینند، در سال‌های پایانی حکومت قاجار روزنامه‌های فارس به تبعیت از دیگر روزنامه‌های کشور، بحث حجاب را نیز به دایره مطالبات خود افزودند و از این منظر زمینه‌ساز مسئله کشف حجاب در دوره دوم حکومت پهلوی اول شدند.

تحلیل و تدقیق محتوایی مطبوعات فارس در این دوره نشان می‌دهد که مطبوعات در مقوله احقاق حقوق اجتماعی زنان بیش از هر چیز معطوف به نقد سنت مردسالار جامعه ایران هستند. روزنامه‌های حامی حقوق زنان به منظور مقابله با فضای سنگین مردسالار جامعه از تشبیهات دینی که تنها مستمسک مقبول جامعه آن روز بود در توجیه حضور زنان در اجتماع به‌ویژه در حوزه علم‌آموزی بهره می‌جستند. از دیگر متشبه شدن مطبوعات، اشاره به وضعیت زنان کشورهای مرفقی بود که از منظر نشریات آن زمان الگوی تمام عیار برای زنان ایرانی به‌شمار می‌رفتند، بدون اینکه اندک تردید یا نقدی بر آنان وارد کنند. اساساً رویکرد نشریات در ترسیم و تحلیل مسائل جامعه و از جمله موضوع زنان بیش‌تر معطوف به نقد سنت بود و تمجید از مواهب مدرنیته. چندین دهه باید سپری می‌شد تا نقد مدرنیته هم وارد سپهر فکری روشنفکران و روزنامه‌نگاران شود. در مطبوعات خاص زنان این دوره بیش‌تر تأکید بر حقوق زنان است و تعلق‌خاطر به مسائل سیاسی و کلان هنوز جایگاه چندانی نزد روزنامه‌نگاران و حامیان حقوق زنان ندارد، در این نشریات هنوز زود است از پاس‌داشت فردیت زن و سبک‌های زندگی او سخن گفت، موضوعی که تا دهه‌ها باید به انتظار طرح آن در جامعه مطبوعاتی نشست.

پی‌نوشت‌ها

۱. غفوری، ۱۳۹۱.
۲. برخی از انجمن‌های زنان که در سال‌های ۱۲۸۵ - ۱۲۹۰ ش/ ۱۹۰۷ - ۱۹۱۱ م به‌وجود آمدند از این قرارند: انجمن آزادی زنان که از اولین جمعیت‌ها در نوع خود بود و در اوایل ۱۲۸۵ تشکیل شد؛ ۲. اتحادیه غیبی نسوان نیز در سال ۱۲۸۵ تشکیل شد و گرایش‌های انقلابی نیرومندی داشت مدافع ضعفا بود و با نمایندگان مجلس بر سر مسئله فقرا مجادله می‌کرد؛ ۳. انجمن نسوان هم در مشروطه

اول و هم مشروطه دوم فعالیت داشت و اعلامیه‌ای صادر کرد که در مجلس اول در مورد آن بحث شد؛ ۴. انجمن مخدرات وطن جلسات خود را در ۱۲۸۹ آغاز کرد. در این انجمن عده‌ای از زنان برجسته عضو بودند که با رهبران مشروطه‌خواه ارتباط نزدیک خانوادگی داشتند و در تظاهرات آذر ۱۲۹۰ در مقابل مجلس نقش اصلی را ایفا کردند. غیر از این انجمن‌های معروف نام چند انجمن کوچک‌تر هم به چشم می‌خورد: شرکت خیریه خواتین ایران، انجمن همت خواتین، اتحادیه نسون، هیئت خواتین مرکزی که در جریان اولتیماتوم روسیه در ۱۲۹۰ نقش فعالی بازی کردند (آفاری، ۱۳۸۵: ۲۴۳).

3. Marquise Oyama
4. Marshal Oyama
5. Ragureska
6. Bertasturtesh

منابع

الف) کتاب‌ها

- آفاری، ژانت (۱۳۸۵). *انقلاب مشروطه ایران*. ترجمه رضا رضایی. تهران: بیستون.
- آدمیت، فریدون (۲۵۳۵). *ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران*. ج ۱. تهران: پیام.
- اتحادیه، منصوره (نظام مافی) (۱۳۸۸). *زنانی که زیر مقنعه کلاه‌داری نموده‌اند، زندگی ملک تاج‌خانم نجم‌السلطنه ۱۳۱۱ - ۱۲۳۳ ه. / ۱۳۵۰ - ۱۲۷۰ ه. تهران: تاریخ ایران*.
- امداد، حسن (۱۳۸۷). *فارس در عصر قاجار*. شیراز: نوید شیراز.
- امیدپور، زهره و همکاران (۱۳۹۲). «تحلیل رویکرد متجددانه زنان در دوره مشروطیت». *تاریخ اسلام و ایران*. س ۲۳. ش ۲۰. ص ۷.
- برزین، پروین (۱۳۵۰). *نقش زن ایرانی در هنر، فرهنگ و تمدن ایران (مجموعه سخنرانی‌های نمایندگان سازمان زنان ایران)*. تهران: سازمان زنان ایران.
- بصاری، طلعت (۱۳۴۶). *زندخت پیشاهنگ نهضت آزادی بانوان ایران*. بی‌جا: پیروز.
- حجازی، بنفشه (۱۳۷۰). *زن به ظن تاریخ، جایگاه زن ایرانی در ایران باستان*. تهران: شهرآشوب.
- خسروپناه، محمدحسین (۱۳۸۲). *هدف‌ها و مبارزه زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا سلطنت پهلوی*. تهران: پیام امروز.
- سالنامه معارف فارس ۱۳۱۴ - ۱۳۱۵ (بی‌تا). شیراز: چاپخانه آفتاب.
- فراشبندی، علیمراد (۱۳۵۹). *حزب دموکرات فارس*. تهران: اسلامی.

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی... ————— رضا دهقانی و همکاران

- فوران، جان (۱۳۷۸). مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی. ترجمه احمد تدین. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- غفوری، زیبا (۱۳۹۱). زنان روزنامه‌نگار فارس از مشروطه تا پایان پهلوی اول. پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ ایران اسلامی. دانشگاه شیراز.
- دلریش، بشری (۱۳۷۵). زن در دوره قاجار. بی‌جا: سوره.
- دیولافوا ژن (۱۳۷۸). سفرنامه (ایران و کلد). ترجمه همایون فره‌وشی. تهران: قصه‌پرداز.
- رومی، سیروس (۱۳۸۸). شناسنامه مطبوعات فارس از آغاز تا امروز. شیراز: نوید شیراز.
- زاهد، سعید و بیژن خواجه نوری (۱۳۸۴). جنبش زنان در ایران. شیراز: ملک سلیمان.
- کتاب آبی: گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران (۱۳۶۳). به کوشش احمد بشیری. ج ۵. تهران: نشر نو.
- کسروی، سید احمد (۱۳۸۱). تاریخ مشروطه ایران. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۸۹). تاریخ مشروطه ایران. تهران: شهرزاد.
- کسری، نیلوفر (۱۳۸۹). زنان در تاریخ معاصر ایران. تهران: بدرقه جاویدان.
- وطن‌دوست غلامرضا (۱۳۸۵). زن ایرانی در نشریات مشروطه. تهران: مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- لمبتون، آن (بی‌تا). اوضاع اجتماعی ایران در عهد قاجاریه. ترجمه منیر برزین. مشهد: چاپخانه خراسان.
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۸). تاریخ خانم‌ها: بررسی جایگاه زن در عصر قاجار. تهران: قصیده‌سرا.
- ناظم‌الاسلام کرمانی (۱۳۶۲). تاریخ بیداری ایرانیان. ج ۲. به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: آگاه نوین.
- نبی، طیبه (۱۳۵۹). جنبش‌های مذهبی عهد قاجار. دوره دانشوری تاریخ. دانشگاه شیراز.
- وقایع اتفاقیه، مجموعه گزارش‌های خفیه‌نویسان انگلیس در ولایات جنوبی ایران از سال ۱۲۹۱ تا ۱۳۲۲ هجری (۱۳۶۲). به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی. تهران: نشر نو.
- یاحسینی، قاسم (۱۳۷۶). رئیس‌علی دلواری: تجاوز نظامی بریتانیا و مقاومت جنوب. بی‌جا: شیرازه.

(ب) نشریات

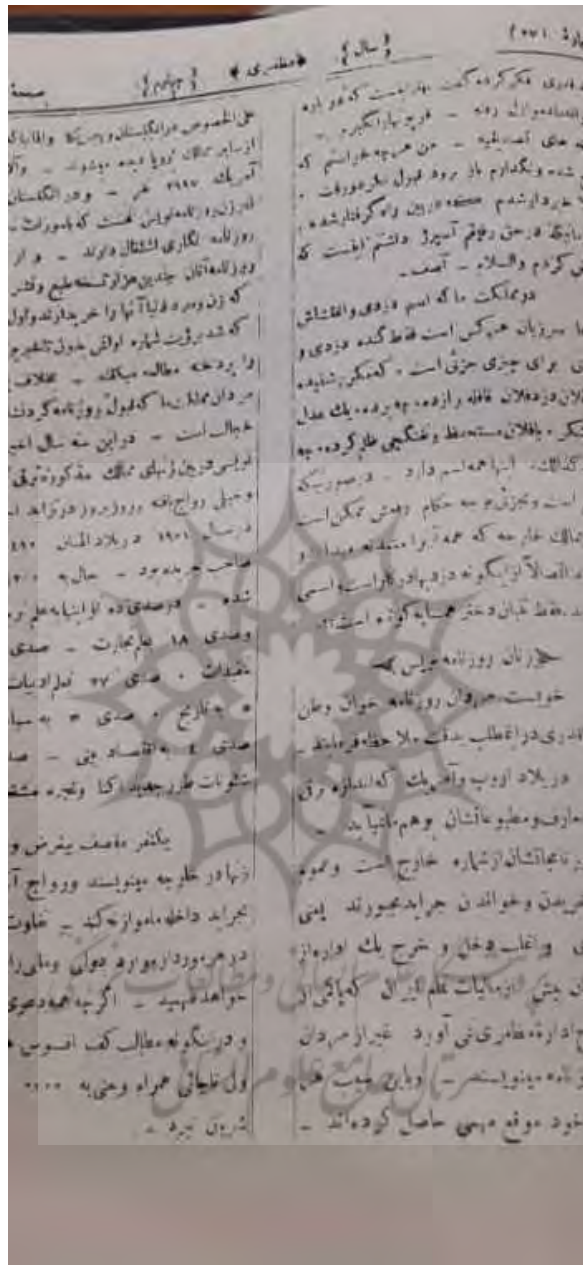
- روزنامه/استخر. س ۱. ش ۵۰. هفتم جمادی‌الثانی ۱۳۳۷ق/ نوزدهم حوت ۱۲۹۷ش. ش ۶۰. بیست‌وسوم رجب ۱۳۳۷ق/ چهارم ثور ۱۲۹۷ق. س ۲. ش ۲۱. بیست‌ودوم شوال ۱۳۳۷ق/ سی‌ام سرطان ۱۲۹۸ش. ش ۹۰. نوزدهم ذی‌قعدة ۱۳۳۷ق/ بیست‌وششم اسد ۱۲۹۸ق.
- روزنامه/ختر. س ۱۵. ش ۳۲. ششم ذی‌قعدة ۱۳۰۶ق.
- روزنامه/جام جم. س ۱، ش ۳۵. بیست‌ودوم محرم ۱۳۳۴ق/ هفتم قوس ۱۲۹۴ش.
- روزنامه/حبل‌المتین تهران. س ۱. ش ۸. ۱۰. بیست‌ودوم و بیست‌وپنجم ربیع‌الاول ۱۳۲۵ق. س بیست‌ودوم. ش ۳. بیست‌ونهم جمادی‌الثانی ۱۳۳۲ق.
- روزنامه/جام جم. س ۱. ش ۳۵. بیست‌ودوم محرم ۱۳۳۴/ ۷. قوس ۱۲۹۴.
- مجله/خاور. س ۱. ش ۱. جوزا ۱۳۰۰ش/ شوال ۱۳۳۹ق. ش ۴. ۵. یازدهم صفر ۱۳۳۹ق/ اول عقرب ۱۲۹۹شو دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۳۹ق/ اول قوس ۱۲۹۹ق. ش ۷. یازدهم جمادی‌الاول ۱۳۳۹ق/ اول دلو ۱۲۹۹ش. س ۶. ش ۳. ربیع‌الآخر ۱۳۴۳ق.
- روزنامه/دعوت/اسلام. س ۱. ش ۱۹. غرة جمادی‌الثانی ۱۳۲۵ق/ جولای ۱۹۰م.
- مجله/دنیای ایران. س ۱. ش ۳-۳. محرم ۱۳۳۹- ذی‌قعدة ۱۳۳۸ق. ش ۹. ۱۰. جمادی‌الاول و الثاني ۱۳۳۹ق.
- مجله/سپیده‌دم. س ۱. ش ۸. ذیحجه ۱۳۴۱ق/ اسد ۱۳۰۲ق.
- روزنامه/شکوفه. س ۱. ش ۲.
- روزنامه/صور/اسرافیل. ۲۱ جمادی‌الآخر ۱۳۲۵ق.
- روزنامه/زیان زنان. س ۱۳۳. ش ۴.
- روزنامه/فارس. س ۳. ش ۳۹. بیست‌ونهم رمضان ۱۳۳۷ق. س ۳. ش ۴۶. ۱۹ ذی‌القعدة ۱۳۳۷. س ۴. ش ۱۳، ۱۴، پنجم ربیع‌الاول ۱۳۳۸ق و دوازدهم ربیع‌الاول ۱۳۳۸ق. ش ۲۴. بیست‌وسوم جمادی‌الاول ۱۳۳۸ق. ش ۳۰. ۳۱. ششم رجب ۱۳۳۸ق و پانزدهم رجب ۱۳۳۸ق. ش ۴۶. دوم ذی‌قعدة ۱۳۳۸ق. س ۵. ش ۲. غره ذیحجه ۱۳۳۸ق. ش ۱۱. هفتم صفر ۱۳۳۹ق. س ۶. ش ۴. بیست‌وهفتم حوت ۱۳۲۵ق.
- روزنامه/عالم نسوان. ۱۳۰۰. ش ۱. س ۲.
- روزنامه/کوکب دری. س ۱. ش ۸. شانزدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۵ق.
- روزنامه/مظفری. س ۳. ش ۵۱. دوازدهم دلو ۱۳۲۱ق. ش ۵۴. بیست‌ونهم حوت ۱۳۲۲ق. س ۴. ش ۱۱. سیزدهم سرطان ۱۳۲۳ق. ش ۲۶. بیست‌ونهم جدی ۱۳۲۳ق. ش ۲۷. ششم دلو ۱۳۲۳ق. س ۶. ش ۴. بیست‌وهفتم حوت ۱۳۲۵ق. ش ۱۰، ۱۲. پانزدهم ربیع‌الاول

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی... ————— رضا دهقانی و همکاران

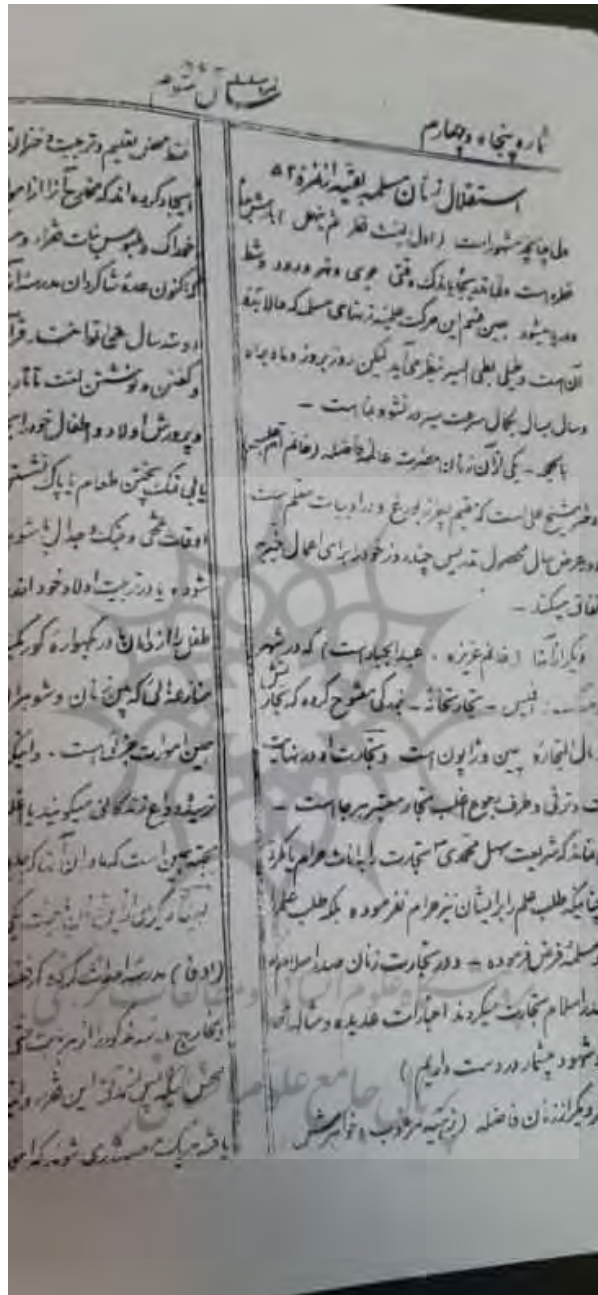
۱۳۲۵ق و بیستوسوم ثور ۱۳۲۵ق. ش ۲۳. ۲۴. چهاردهم میزان ۱۳۲۵ق و بیستویکم
میزان ۱۳۲۵ق.

- روزنامه بانوان ایران. س ۱. ش ۱. دوازدهم ذی‌قعدة ۱۳۳۸.





مقاله زنان روزنامه‌نویس، روزنامه مظفری شماره ۴۷



مقاله استقلال زنان مسلمان، روزنامه مظفری، شماره ۵۴

Influence of Fars local periodical literatures on political - social Consciousness of Fars women in transition period from Qajar to Pahlavi (1911-1931)

Reza Dehghani,^۱ Roshanak Razazi,^۲ Raoul Arabkhani,^۳ Fariborz Mohammadxani,^۴

Abstract

Studying the history of political and social changes in Iran in the contemporary era, is impossible without concerning the women role as a half of human being of society. Iranian women likewise men, had been influenced by the changes, and sometimes they were highly effective on the process of changes. Contrary to what some scholars have suggested, surveying the content of Fars local periodical literatures at the late of Qajar and the beginning of Pahlavi shows that women had an effective role in the political and social activities like as the anti-authoritarian and constitutionalist movement and they had could raise their level of political and social awareness. Women in the form of communities and associations and using the magazines which were the most prevailing device at that time, tried to implement the changes in full for the society. Such efforts resulted in political and social awareness of Fars women and the whispering of the issue of women's social rights. Fars province women, through numerous articles of magazines, and for the first time acquainted with the women rights such as the right to education, the right to trade, the right to attend the community, the right to change the type of dress, etc. and gradually they sought to earn the aforementioned rights in the realm of action. The article is concerned on the extension of press and its influence on the process of political-social awareness and women's identity formation to assert their basic rights. The findings of the study show that the Fars press at this era was essentially self-

^۱ Associate professor of history department at University of Tabriz, and Agent to serve in Faculty of World Studies, University of Tehran, E-mail: rdehgani@tabrizu.ac.ir

^۲ MA in Islamic history of Iran, E-mail: roshanak.rzi@gmail.com

^۳ Assistant Professor of the Department of History of Payam Noor University, Zanjan unit
E-mail: rasoularabkhani@yahoo.com

^۴ MA in General history of the World, E-mail: rayen.group@gmail.com

تأثیر نشریات محلی فارس بر خودآگاهی سیاسی - اجتماعی... ————— رضا دهقانی و همکاران

disciplinary with the continuous pursuit of social and political rights for women and greatly assisted women to identify their rights and being socialized. The research method, since the main sources of research in the press, is based on textual analysis, which can be considered as a deeper level of descriptive-analytical method that ultimately leads to appropriate explanations.

Key words: Qajar, Fars Province, women, political – social influences, identity formation.



